

یک ماه زمینه‌سازی برای یک تذکر



صبر و تحمل شهید قدوسی در اصلاح و برطرف کردن ضعف‌های اخلاقی افراد، از شمار ویژگی‌های بارز این شهید بزرگوار بود. گاهی به جای این‌که در یک جمله به کسی بگوید این‌طور باش، ساعت‌های طولانی و حتی روزها برای اصلاح او وقت صرف می‌کرد. خود می‌گفت: «گاهی برای این‌که یک تذکر اخلاقی به فرزندم بدهم، یک ماه زمینه‌سازی و برنامه‌ریزی می‌کنم». این دقت و صبر، نشان‌دهنده اهمیت چگونگی تربیت و برخورد با دیگران، به‌ویژه نوجوانان و جوانان است.



جلوه انتقام و غضب اسلام؛ قتل ۷۰۰ یهودی تسلیم‌شده در یک روز

قبیله یهودی بنی‌قریظه در جنوب شرقی مدینه، در دوران انتظار پیامبر آخرالزمان به کشاورزی (و جدال‌های داخلی در مدینه) مشغول بودند، او را شناختند، ولی چون او را از نسل هارون نیافتند، ایمان نیاوردند. به‌هرحال، رسول رحمت بین گروه‌های مختلف آشتی برقرار کرد و پیمان صلح بست. اما یهودیان یکی پس از دیگری پیمان شکستند. فقط بنی‌قریظه مانده بود که در زمان جنگ احزاب به خیال پیروزی سپاه کفر، دست به توطئه و تضعیف روحیه مسلمانان زدند و البته پیامبر رحمت در مورد آنان، [به تعبیر امام روح‌الله، همان کاسب‌هایی که الآن هم دنباله آن‌ها صهیونیست‌ها هستند] امر فرمود تمام آن‌ها را گردن زدند تا این ماده سرطانی موجب فساد را از بین برداشتند؛ هفت صد نفر را در یک روز کشت و هیچ ملاحظه و جاهت اسلام در خارج کشور را نکرد. داستان از این قرار است همان روز آخر جنگ احزاب، پیامبر به سوی آنان لشکر کشید، باز هم ایمان نیاوردند. پس از ۱۵ روز محاصره، تسلیم شدند. خودشان سعدبن معاذ (هم پیمان‌دوران جاهلی) را به داوری انتخاب کردند و او حکم به قتل مردان، اسارت زنان و کودکان و ضبط اموال داد؛ حکمی الهی که مطابق تورات هم بود.

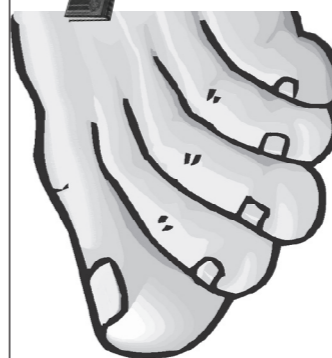


شست پایت را پتّا!

سجده که می‌رود، انگشتان پایش را طوری خم می‌کند که یا روی انگشتانش به زمین می‌چسبد و یا پشت آن! برای سجده لازم است نوک شست پا حتماً روی زمین باشد ولی نسبت به بقیه انگشتان وظیفه خاصی ندارد.



اجوبه‌الاستفتائات، سوالات جدید در باب سجده



(دعای ۲۴ صحیفه سجادیه)

دو روی سکه تعامل با والدین

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَهَابُهُمَا هَيْبَةَ السُّلْطَانِ الْعُسُوفِ، وَابْرُهُمَا بَرَّ الْأُمِّ الرَّؤُوفِ

خداوندا چنان کن که

از هیبت پدر و مادرم چون از هیبت سلطان خودکامه بیمناک باشم و به هر دو چون مادری مهربان نیکی نمایم

امام سجاد علیه السلام این‌گونه دعا می‌کردند.



انتقادهای، پیشنهادها، ایده‌ها، جملات و خلاصه هرچیزی را که رنگ و بوی مسجد دارد با ارسال پیامک یا با گذاشتن نظرات خود در سایت، به دست ما برسوید تا همین جا و در همین ستون منتشرش کنیم.

سامانه پیامکی: ۱۰۰۰۱۵۰۱۶۰۱۷۰

سایت: SangareMahalle.ir

۷۲۲****۹۱۲

زندگیتان از رحمت (رحمن الرحیم) لبریز، دستانتان از نعمت (رب العالمین) سرشار، چشمانتان به نور (الله نور السموات والارض) پر نور، کفّه ترازویتان در ردیف (فأما من ثقلت موازینه) میزان، روزگارتان (فی عیشیه راضیه)، و عاقبتتان (عند ملیک مقتدر) ختم به خیر*

سودابه توفیقی

سنگر مرحله

هفته نامه تربیتی، مسجدی | هفته سوم شهریور ۱۳۹۴

تحریریه: همه هم سنگرهای مسجدی

برای دریافت نسخه قابل ویرایش به تارنمای نشریه مراجعه کنید:

SangareMahalle.ir

با ارسال اخبار، تصاویر و پیامک، حضور مسجد خود را در نشریه پررنگ‌تر کنید.

سامانه پیامکی: ۱۰۰۰۱۵۰۱۶۰۱۷۰

SangareMahalle.ir

در این شماره می‌خوانید:

بی خیال خدا

یک طلبه خوب

اسراف‌کاری شرف!

شست پایت را پتّا!

روزنه‌هایی برای نفوذ

توافقی شد بر سر مسائل هسته‌ای. خوب یا بد، مهم است، ولی فعلاً کاری با آن نداریم. حدود دو ماه است که از نهایی شدن سند برجام می‌گذرد. هنوز نه چیزی به بار است و نه به دار. نه آن طرف کنگره شان تصویب کرده و نه این طرف مجلس ما و هیچ کس تعهدی را برنتافته. ولی در همین فاصله کوتاه در مملکت مان اتفاقاتی سلسله وار رخ داده که هردلی را مضطرب می‌کند و هردست و پای ر لرزان: زمزمه‌های راه اندازی رستوران‌های مک‌دونالد، استقبال از هیئت‌های مختلف کشورهای غیردوست با آن لباس‌های غیررسمی و مسخره‌شان (!)، ورود خبرنگاران شبکه جاسوسی بی‌بی‌سی به کشور، بازگشایی سفارت روبه‌پیر خبیث، ورود شرکت‌های اقتصادی که در گذشته با ترک کشور به مالطمه زدند و عقد یا وعده قرارداد با آن‌ها و... همه و همه نگرانی را به جان دلسوزان نظام جمهوری اسلامی و انقلابش می‌اندازد.

نگران می‌شویم از این‌که نکنند توافق مان آن قدرها هم هسته‌ای نبوده! یا این‌که نکنند کشورهای خط مقاومت خیال کنند پشت شان خالی شده. یا این‌که نکنند فرهنگ مان غربی شود و اقتصادمان وابسته. یا این‌که گرگ استکبار روزنه‌ای برای نفوذ و راهی برای پنجه کشیدن پیدا کند و سرنوشت مان چیزی شود شبیه عراق و سوریه و یمن و... یا بدتر از همه این‌که اسلام مان آمریکایی شود و توکل مان بر غیر خدا!

حتی اگر این قرارداد بسته شود و این پیمان اجرایی گردد، راه انقلاب، راه استکبارستیزی، برائت از مشرکان و حمایت از مستضعفان است. امیدواریم با اصلاح این مسیر و این روند اشتباه، هرچه سریع‌تر از نفوذ دشمن به اردوگاه اسلام جلوگیری به عمل آید. باید پناه برد به خدا از آن روزی که خون‌های پاک ریخته شده پای این انقلاب، پایمال شوند.



یک طلبه خوب

«سیمای آرمانی طلبه در نگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)»
تألیف: محمد عالم‌زاده نوری، ناشر: بوستان کتاب، قطع: رقیعی، ۱۹۲ صفحه: ۹۰۰۰ تومان.
حوزه علمیه برای ایفای رسالت تاریخی خود در عصر امام خمینی (ره)، ناگزیر باید در نخستین گام، به ترسیم مطلوب‌ها و ایدئال‌ها بپردازد و نمونه‌های اعلای طلبه را در ابعاد آموزشی و پرورشی تصویر کند. لازم است نقش طلبه در اجتماع و سهم او در جامعه‌سازی و تاریخ‌سازی، بازتعریف شده، الگوی ناکارآمد گذشته ترمیم یا تکمیل گردد؛ طلبه امروز باید متناسب با نیازهای متغیر این زمان و تحولات شتابنده تاریخی تربیت گردد. این دفتر در جست‌وجوی «سیمای آرمانی طلبه» و «نظام‌واره طلبه مطلوب» از منظر رهبر معظم انقلاب، امام‌خامنه‌ای گردآمده است. فصل‌آخرین این اثر به بایسته‌های اقشار حوزوی؛ مبلغان، محققان و ائمه‌جماعات اختصاص دارد.



خرید اینترنتی:

http://bookroom.ir/book/17207

سنگر مرحله

نشریه تربیتی، مسجدی | سال دوم، شماره پیاپی ۴۳ | هفته سوم شهریور ۱۳۹۴ | قیمت: ۵۰۰ تومان (اختیاری)

افتخار پوچ (۱)

این دیگر خیلی مسخره است که آدم پول بسیار هزینه کند و هیچ بهره‌ای نبرد، آن وقت با افتخار بگوید: «پول زیادی تلف کردم!» افتخار! بله، با افتخار می‌گوید! واقعا چرا چنین می‌کند و چنان می‌گوید؟ چون می‌خواهد یک قانون مهم را دور بزند؛ یعنی می‌خواهد از «سخنی‌های دنیا» فرار کند! چه اشتباه بزرگی!

او حاضر است ده‌ها برابر آن چه لازم است، خرج کند تا زندگی بی‌مشکل و بی‌رنج داشته باشد، غافل از این که چنین چیزی محال است. چون قانون این است که انسان در سختی آفریده شده و زندگی‌اش همراه با رنج و زحمت خواهد بود. پس او هرچه تلاش و هزینه کند تا بتواند در این دنیا به آسایش مطلق برسد، بی‌راهه رفته است.

راستی؛ نکنند او که برای دنیایش این چنین ول‌خرجی می‌کند و به آن فخر می‌فروشد، خیال می‌کند که خدا بر او قدرت ندارد و نمی‌تواند روزگارش را سخت و تنگ کند؟ یا شاید خیال می‌کند کسی او را ندیده و نمی‌بیند که چگونه دارد سرمایه خود را تباه می‌کند؟ وای بر او که این مال را باید در جای دیگری خرج می‌کرده ولی به انحراف رفته است...

لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ (۱) وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ (۲) وَالْوَالِدِ وَمَا وَلَدٌ (۳) لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ (۴) أَيْحَسِبُ أَنْ لَنْ يَفْقِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ (۵) يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا (۶) أَيْحَسِبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ (۷)

[ای پیامبر! سوگند یاد نمی‌کنم به [مکه،] این شهر [شکوهمند] (۱) درحالی که تو در این شهر [باعظمت] جای داری (۲) و سوگند یاد نمی‌کنم به [ابراهیم،] آن پدر فرزانه و زاده‌اش [اسماعیل،] آن فرزند مبارک؛ همانان که این شهر را بنا کرده‌اند] (۳) که ما انسان را آفریده و حیاتش را با رنج و محنت آمیخته‌ایم. [او نعمتی از نعمات دنیا را طلب نمی‌کند، مگر این که می‌خواهد طیب و لذت آن خالص و محض باشد و به چیزی از نعمات دنیا دست نمی‌یابد، مگر این که ممزوج با امری است که خلوص عیش و لذت آن را برهم می‌زند. گذشته از حوادثی تلخ که برای انسان اتفاق می‌افتد و او را به رنج می‌اندازد.] (۴) آیا او [با وجود این که خود را مغلوب ناگواری‌ها می‌بیند،] گمان می‌کند که هرگز کسی بر او قدرت نخواهد داشت [و روزهای سختی و تنگدستی برای او نخواهد بود؟] (۵) [مال و ثروت خویش را بی‌هوده صرف کرده است و با افتخار] می‌گوید: مال فراوانی تباه کرده‌ام! (۶) آیا می‌پندارد که هیچ‌کس او را ندید؟ (۷) (سوره مبارکه بلد)



واکویه‌های یک مری

بی خیال خدا

شهادت حاج محسن وزوایی جزو برنامه بود!

"فدات بشم داداش! تمنا می‌کنم به کم با من حرف بزنی. اصلاً قرارمون این نبود... شبی نبود که تا صبح بیدار نمونی. به بچه‌هایی که در خواب بودند، سر می‌زدی و پتو روشن می‌کشیدی. پوتین هاشون رو وا کس می‌زدی و گاهی لباس هاشون رو می‌شستی. اما این چیزها رو کسی نمی‌دونست..."

اصلاً بزرگ‌ترین اشتباه این است لحظه‌ای فکر کنیم «می‌شود این چند لحظه، بی‌خدا کار کرد.» اگر دنبال بهترین‌ها هستید، بی‌خیال بدترین‌ها شوید، خدا همیشه در بهترین‌هاست. همه‌کاره دنیا اوست.

"به خودش نهیب زده بود که: «داداشی! ما کار کوچکی نکردیم. بالای نرده‌های سفارت که بودم احساس کردم فرشته‌های هفت‌آسمون دارن نگاه‌مون می‌کنن... ما یا از راه این نرده‌ها به آسمون چنگ می‌زنیم یا با کله می‌ریزم ته جهنم...»"

کسانی که برای لحظه‌ای بی‌خیال خدا نمی‌شوند، قبل و بعد مرگشان هم بهترین‌ها را می‌خواهند، یعنی برنامه‌ریزی شده حرکت می‌کنند.

"اگر نتوانستید جنازه‌ام را به عقب بیاورید آن را به روی مین‌های دشمن بیندازید تا اقللاً جنازه من کمکی به اسلام کرده باشد."

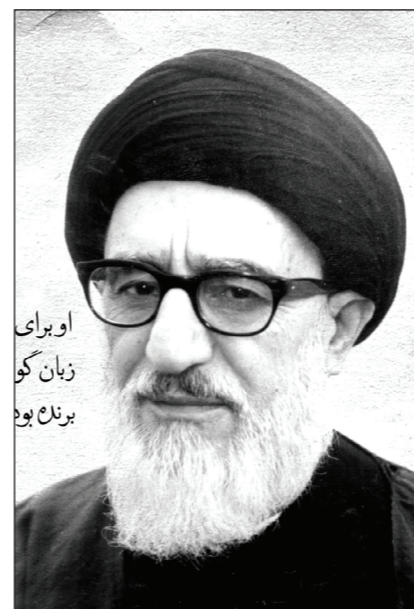


درقاب تصویر

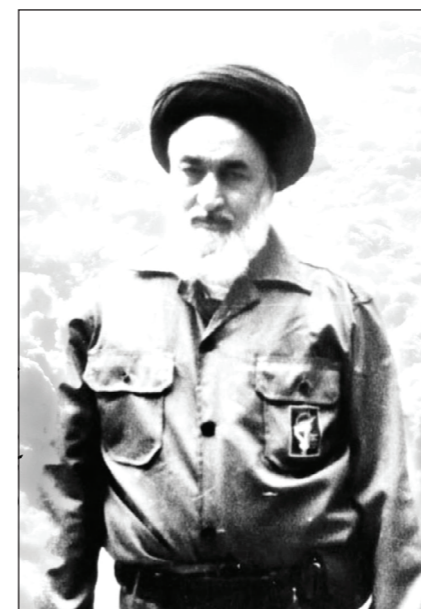
ارسال تصاویر شما : sangaremahalle@chmail.ir

• در این بخش می‌توانید یکی از طرح‌های مناسبتی این هفته را مشاهده کنید. (طرح‌ها با کیفیت چاپ و به صورت رنگی در تارنمای masjednama.ir موجود است):

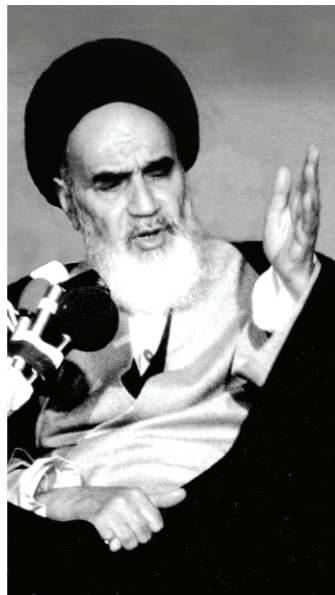
• ۱۹ و ۲۰ شهریور سال‌های ۵۸ و ۶۰ شمسی یادآور از دست دادن دو چهره انقلابی است. درگذشت آیت الله طالقانی و شهادت آیت الله مدنی در محراب در این دو روز اتفاق افتاد.



او برای
زبان کو
برنگ بود



صحیفه امام، ج ۹، ص: ۲۸۲

امام عذرخواهی می‌کند؛
غیر مستضعفین نباید
اظهار وجود کنند

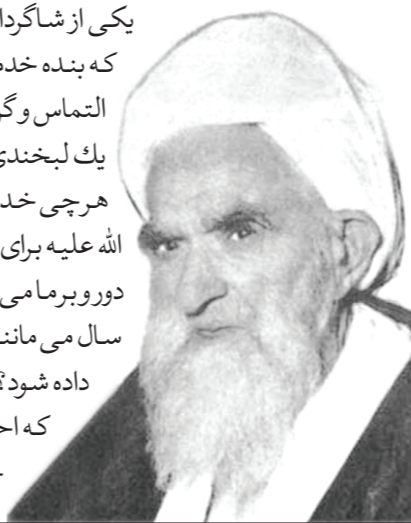
و اما اشتباهی که ما کردیم این بود که به طور انقلابی عمل نکردیم و مهلت دادیم به این قشرهای فاسد... اگر ما از اول که رژیم فاسد را شکستیم و این سد بسیار فاسد را خراب کردیم، به طور انقلابی عمل کرده بودیم، قلم تمام مطبوعات را شکسته بودیم و تمام مجلات فاسد و مطبوعات فاسد را تعطیل کرده بودیم، و رؤسای آن‌ها را به محاکمه کشیده بودیم و حزب‌های فاسد را ممنوع اعلام کرده بودیم، و رؤسای آن‌ها را به سزای خودشان رسانده بودیم، و چوبه‌های دار را در میدان‌های بزرگ برپا کرده بودیم و مفسدین و فاسدین را درو کرده بودیم، این زحمت‌ها پیش نمی‌آمد. من از پیشگاه خدای متعال و از پیشگاه ملت عزیز، عذر می‌خواهم، خطای خودمان را عذر می‌خواهم. ما مردم انقلابی نبودیم، دولت ما انقلابی نیست، ارتش ما انقلابی نیست، ژاندارمری ما انقلابی نیست، شهربانی ما انقلابی نیست، پاسداران ما هم انقلابی نیستند؛ من هم انقلابی نیستم. اگر ما انقلابی بودیم، اجازه نمی‌دادیم این‌ها اظهار وجود کنند. تمام احزاب را ممنوع اعلام می‌کردیم. تمام جبهه‌های سیاسی را ممنوع اعلام می‌کردیم. یک حزب، و آن «حزب‌الله»، حزب مستضعفین.

به مناسبت سالروز برخورد قاطعانه پیامبر رحمت در قتل ۷۰۰ یهودی تسلیم‌شده (بنی قریظه) در یک روز به جرم فتنه (و نه قیام علیه حکومت اسلامی)

حکایت خوبان

چه کار کنم آدم بشم؟!

یکی از شاگردان آیت الله انصاری همدانی می‌گوید: اولین روزی که بنده خدمت آقای انصاری رسیدم به دست و پاشون افتادم و التماس و گریه زیادی کردم که آقا چه کار کنم آدم بشم؟ ایشان با یک لب‌خندی فرمودند: کاری نداره! هر چی خدا گفته بکن، بکن، هر چی خدا گفته نکن، نکن! یک بار هم آیت الله نجابت رحمه الله علیه برای ایشان نامه می‌نویسد و می‌گوید: گاهی جوان‌هایی دور و بر ما می‌آیند و می‌روند، بعضی پنج شش ماه و بعضی یک سال می‌مانند، سپس می‌روند، به این‌ها چه دستورالعمل‌هایی داده شود؟ چگونه سلوک کنند؟ آقای انصاری پاسخ می‌دهد که احکام شرع را به اینان بیاموز. اگر رفتند به دردشان می‌خورد و اگر هم مانند کرمک راهشان است.



دستیار بچه‌های فعال مسجدی

- بسته‌ی هفتگی تابلاواعلانات
- بسته‌ی هفتگی رسانه‌ای
- هفته‌نامه سنگرمحله
- ... و ...

MasjedNama.ir



اسراف‌کار بی شرف!

«بی‌شرف مرض دارد!» این ناسزا نیست، بلکه طبق روایات، سزاوار اوست. بله، چون که می‌داند اسراف در چیزهایی است که مال را از بین ببرد و به بدن صدمه بزند و کم‌ترین حد آن «دور ریختن آب نیم‌خورده» و «پوشیدن لباس بیرون، در خانه» است، اما باز هم این‌کار را انجام می‌دهد!

چرا؟ چون مرض دارد! چون بیمار است! چون خیال می‌کند اگر این کار را بکند، شرافتی به دست می‌آورد و نزد مردم احترام پیدا می‌کند. این همان انسانی است که در سوره بلد با افتخار می‌گفت: «مال زیادی تباه کرده‌ام!» اما بدجوری بی‌راهه رفته است. چون:

لَيْسَ فِي سَرْفٍ شَرَفٌ

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام): در اسراف، شرافتی نیست. (تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ص: ۳۵۹)



۱- الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۴، ص: ۵۴

۲. وسائل الشیعة، ج ۵، ص: ۵۱



کاریکاتور هفته

• ذخیره آب یعنی زندگی ...

